

ضرورت سازماندهی صندوق های تشکل های کارگری

مبارزات کارگران و سرمایه داران از نظر اهداف ؛ افق ؛ چشم انداز ؛ ماهیت و روش ها در یک تضاد ماهوی قرار دارند . نظام سرمایه داری بر اساس کسب حداکثر ارزش اضافی ؛ استثمار و بهره کشی از کارگران ؛ تمرکز کار زنده و تلاش کارگران بصورت سرمایه و ابزار تولید (کار مرده) در دست خود ؛ سازماندهی جامعه ؛ پول و کالا محور و بعبارتی "بت واره" است . در این نظام کار با یک اجبار اقتصادی و برای ترس از گرسنگی و مرگ است ؛ اما کارگران با اجتماعی کردن ابزار تولید ؛ تولید را تنها برای برآوردن نیاز های جامعه انسانی سازمان داده و لذا کار بعنوان سرزندگی و خلاقیت انسانی تجلی می یابد ؛ کار زنده حاکم بر جامعه بوده و با ریشه کن کردن اساس بهره کشی ؛ طبقات را نیز ملغی می کنند .

از این رو وجود و کارکرد هر کدام از دو نظام و سیستم بمنزله نفی نظام و سیستم دیگر است و نتیجه را در هر مرحله ؛ مبارزه طبقاتی تعیین می کند ؛ و لذا طبقه کارگر چه برای زندگی بهتر در درون همین نظام سرمایه داری (مبارزات صنفی) و چه برای نفی نظام سرمایه داری و جایگزینی با نظام خود ؛ نیاز به ابزارها ؛ منابع و زیر ساخت های خود را دارد. تشکل های مستقل طبقاتی ؛ برای پیشبرد مبارزات خود نیاز به استراتژی ؛ سازماندهی و تاکتیک ها و همچنین منابع مالی و لجستیک مستقل خود را دارد ؛ و بدون وجود آنها نمی تواند در مبارزات خود گامی به پیش رود . از همین جاست که منبع تأمین منابع مالی و یا صندوق های تشکل های کارگری معلوم می شود که قطعا از طریق خود کارگران و سازمان ؛ سندیکاها ؛ شوراهای تشکل های کارگری و همچنین انسان هایی است که از نظام سرمایه داری دل کنده و در تکاپوی جامعه ای بدون طبقات و سوسیالیستی گام بر می دارند ؛ می بایست تأمین شود . پس صندوق مالی کارگران نمی تواند از دولت های سرمایه داری و سازمان های وابسته به آن حتی با نام کارگری کمک دریافت کند زیرا که انگیزه ها و انتظارات آنان در جهت نظام تحکیم و تداوم نظام سرمایه داری است و تضاد کارگران و سرمایه داران در اساس و مبنای خود قابل جمع نیست .

پس شرط همکاری با تشکل های مستقل کارگری از نظر لجستیک ؛ تکیه آنان بر منابع و امکانات اعضاء و دیگر تشکل های مستقل و مردمی است ؛ هر چند در برخی از کشورهای صنعتی که مبارزات کارگران سابقه ای چند صد ساله داشته و کارگران توانسته اند امتیازاتی را به دولت های سرمایه داری بقبولانند ؛ دولت ها مکلفند که تشکل هایی که از نظر کمی به حد نصاب هایی رسیده اند صرفنظر از اهداف آنها کمک های مالی بنمایند اما این کمک ها با توجه به گستردگی سازمان های کارگری و

منابع آنان چیز اندکی بوده و رقم های عمده ای را تشکیل نمی دهد و لذا بین آنان و شکل هایی که دنباله رو سرمایه داری هستند تفاوت اساسی وجود دارد .

ضرورت تدوین سیستم های حاکم بر جریان منابع و مصارف مالی

با توجه به این که نظام حاکم بر جوامع کنونی نظام سرمایه داری است ؛ و در این نظام منافع فردی بر منافع جمعی حاکم بوده و پایه های این نظام ؛ کسب نفع فردی و سوء استفاده از منافع عمومی است و این فرهنگ در بین اقشار مختلف و از جمله کارگران نیز ممکنست رسوخ نماید ؛ صندوق های کارگری می بایست دارای اساسنامه ؛ آئیننامه و سیستم ها و نظام های تدوین شده برای فرایند منابع و مصارف باشند بطوریکه اطمینان صد در صد و دقیق و نظارت کامل از طریق این نظام ها بر جریان ورود و خروج منابع اعمال گردد و امکان هر گونه سوء استفاده شخصی و یا غیر سازمانی و غیر مفید منتفی شود . لذا صندوق های کارگری بر اساس اهداف لجستیکی و پشتیبانی مبارزات کارگری می بایست دارای نظام نامه ؛ آئین نامه و سیستم های منابع و مصارف زیر باشند ؛ که تعریف آن برای هر شکل کارگری با توجه به وضعیت و مراحل رشد آن صورت می گیرد

- ۱- اساسنامه صندوق مالی کارگران : در اساسنامه هدف از تشکیل صندوق ؛ استفاده از منابع در جهت منافع کلی کارگران ؛ منابع مالی آن که از طریق حق عضویت و یا همیاری دیگر صندوق های مشابه کارگری مستقل و افراد و اشخاص حقوقی ؛ مشارکت در طرح های عمومی جهت افزایش منابع ؛ دیگر مواردی از این قبیل تشریح می گردد
- ۲- آئین نامه : مراحل و چگونگی واریزی کلیه دریافتی ها به یک حساب و سپس چگونگی انتقال آن ؛ تعیین مسئول مالی و مسئول صندوق ؛ بازرسی ؛ حساب بانکی و نگهداری حساب ها ؛ کنترل به روز و توان گزارش دهی و نگهداری در سیستم دستی حسابداری و یا نرم افزاری و قابلیت حسابرسی ماهیانه و تنظیم صورت های مالی و تعریف می شود
- ۳- تدوین سیستم دریافت :

- برای اعضاء از طریق حق عضویت و نیز صدور قبض رسید و یا اعلام از طریق ایمیل و یا اعلام در سایت تشکیل
- برای دریافت از سازمان های کارگری و اشخاص حقوقی که مستقیماً مرتبط نیستند می بایست مراحل قبل از دریافت **تعریف شود** و فرد دریافت کننده از طریق ایمیل و الکترونیک و یا مستقیماً به منبع پرداخت ؛ ابتدا معرفی و مورد تأیید قرار بگیرد (با توجه به محضورات امنیتی می توان از طریق کد به مرجع ؛ معرفی کرد) و پس از دریافت نیز بصورت ایمیل و نیز بصورت ماهیانه و یا هر سه ماه لیست کمک های دریافتی از طریق سایت و با کد اعلام شود . و بدین طریق می توان مطمئن شد که کلیه کمک های دریافتی به صندوق واریز شود و بر اساس آئیننامه و وفق منافع کارگران مصرف گردد و پرداخت کنندگان نیز مطمئن شود همیاری های آنها به صندوق واریز شده است .

۴- تدوین سیستم پرداخت : چگونگی مراحل تصویب پرداخت ؛ مصوبات بهمراه مراجع صدور دستور پرداخت و یا مطالعات سرمایه گذاری ها ؛ تأیید پرداخت کننده و دریافت کننده و نگهداری اسناد و غیرو می بایست از قبل مشخص شوند بطوریکه هیچگونه پرداختی خارج از روال تعریف شده و بدون تصویب مراجع ذیصلاح ؛ صورت نپذیرد و منابع مالی دقیقاً تحت کنترل باشند . و امکان حسابرسی و بازرسی و تهیه ترازهای مالی و گزارش دهی همواره امکانپذیر باشد .

این سیستم ها و نظام ها هم اکنون در کلیه بنگاه های اقتصادی سرمایه داری نیز اجرا می شوند و برای حصول اطمینان از جریان منابع و مصارف است ؛ یعنی بخودی خود تعیین کننده ماهیت و گوهر شکل کارگری نیستند ؛ بدین منظور که ممکنست تشکلی در جهت منافع کارگران نباشد اما نظام منابع و مصارف آن تحت کنترل و طبق اساسنامه آن باشد . اما یک تشکل کارگری مستقل حتماً برای ورود و خروج منابع و مصارف به این سیستم ها نیاز دارد .

نگاهی به مقاله آقای علیرضا عسکری مرند :

مسئله استقلال مالی تشکل های کارگری قدمتی چند صد ساله با عمر این تشکل ها دارد و امر جدیدی نیست و دو موضوع در این بین اهمیت محوری و اساسی دارد یکی داشتن آگاهی طبقاتی کارگران و "برای خود بودن" آنها یعنی تلاش در جهت نفی نظام سرمایه داری و محو طبقات و اجتماعی کردن ابزار تولید و نفی اسثمار و بهره کشی و ارزش اضافی است ؛ یعنی کارگران از مرحله "درخود بودن" عبور کرده ؛ و دنباله رو سرمایه داری نباشند . امری که آقای عسکری مرند هر دو را که متناقض و متضاد هستند یکی فرض می کند و این یک اشتباه اساسی ایشان است . و دومین موضوع اساسی و با اهمیت داشتن نظام ها و سیستم های ناظر بر منابع و مصارف است و آقای عسکری مرند در سراسر مقاله چند صفحه ای خود به هیچکدام از دو موضوع فوق نمی پردازد و در یک جا که به موضوع اول اشاره می کند نگاهی اشتباه دارد . تکیه ایشان در سراسر مقاله خود این است که اگر یک عضو یا رهبر تشکل از برخی سازمان های وابسته به دولت های سرمایه داری کمک دریافت کنند منحرف می شود و باعث می شود که کل تشکل و سازمان منحرف شود !!! در اینجا ایشان موضوع را وارونه نگریسته زیرا انحراف و یا زرد بودن یک تشکل کارگری بستگی به بدنه اجتماعی ؛ اهداف ؛ چشم انداز ؛ مطالبات ؛ میزان آگاهی طبقاتی آن تشکل دارد و تشکل در صورت "برای خود بودن" هیچگاه اقدام به دریافت کمک از چنین مراکزی نمی کند . و اما در صورتی که تشکل "درخود" باشد چه چنین کمکی دریافت و یا دریافت نکند در ماهیت گرایش دنباله رو سرمایه داری بودن آن تغییری نخواهد داد . ایشان سراسر مطالب خود را با امور غیر واقعی پر کرده است ؛ هر چند نیت ایشان در طرح چنین مطلبی مثبت و خوب است اما تنها با نیت های خوب و بدون راهکارهای سنجیده و علمی حتی یک گام صحیح هم نمی توان برداشت و تکرار دهها بار یک مطلب : سرمایه داری می خواهد تشکل های کارگری را فاسد ؛ تضعیف و نفوذ کند دردی را دوا نمی کند (سه سؤال اول ایشان طرح همین مطلب است) و دهها بار در متن مقاله تکرار می کند . نگاه ایشان غیر اجتماعی و سیستمی بوده و می گوید اگر کسی

(فردی) از کسی؛ تک منبع؛ کمک گرفت و آنرا نا صحیح خرج کرد خودش فاسد می شود و کل سازمان را فاسد می کند یعنی یک نوع نگاه فردی به کمک های مالی دارد و آنجا که نگاهی جمعی ارائه می دهد یک جمع تعریف نشده از افراد است. در آنجا که می گوید تأیید و تصویب منبع نباید توسط تعدادی خاص؟؟؟ بلکه توسط اکثریت کارگران باشد. کدام اکثریت با چه ساز و کار؛ سیستم و مکانیسمی؟؟ و آیا اصولاً می توان در مورد هر هزینه ای و هر مبلغی اکثریت کارگران رأی بدهند؛ امری که هرگز تحقق نخواهد یافت. این صحیح است که آئین نامه مشخص می کند چه مقدار هزینه توسط چه مراجعی تصویب و تأیید شود و در چه سطحی از مبالغ نیاز به تأیید مجمع عمومی کارگران است اما بدون تعریف قبلی دقیق آنها و حواله کردن تأیید کل هزینه ها بطور کلی به اکثریت کارگران هیچ مفهومی در بر نخواهد داشت. مقاله ایشان بجز برخی توضیح و اوضحات که از سازمان های وابسته به دولت های سرمایه داری نباید کمک گرفت فاقد مطالب جدی است و برخی از جملات و اظهارات بی مفهوم؛ تکرار و مکررات و اشتباه است در طرح سؤال در ابتدای مقاله می گوید چرا در کمک های مالی امر واسطه گری و دلالتی نباید وجود داشته باشد و در سؤال بعد می پرسد چرا این واسطه گری ضد کارگری است؟ در این رابطه خوبست نشان دهد دلالتی و واسطه گری در کجا خوبست؟؟؟؟ سراسر مقاله هیچگونه ساختار منطقی؛ راهکار علمی و تشکیلاتی و استدلال پایه ای وجود ندارد. اگر ایشان در روشن کردن این امور قصدی نداشته که راهگشا باشد پس مقاله را برای چه امری نگاشته؟ خوب بود که علت اصلی در نوشتن مقاله را روشن نماید. ایشان در توجیه علت اصلی اینکه باید حق عضویت پرداخته شود اینست که کارگر بعلت پرداخت حق عضویت طلبکار شده و تشکل هم چون بدهکار است موظف به پیشبرد منافع کارگران است؛ و هر کس که کمک مالی کند خواسته خود را تحمیل می کند. همه چیز را به پول و نقدینگی خلاصه کردن و امور اساسی و پایه ای دیگر را ندیدن یک نوع ساده انگاری و انتزاع است. در جای دیگر توصیه پدران می کند که کسانی که تشکل های مستقل کارگری را به نهادهای غیر کارگری وصل می کنند باید در کار خود تجدید نظر کنند. در حالی که چنین افرادی با اسناد و مدارک می بایست بی درنگ افشا و از صفوف کارگری طرد شوند؛ در مورد برخی واسطه های دریافت کمک مالی می گوید: که این روال حداقل باعث می شود که "وی فخر بفروشد" و با چنین نتیجه گیری هایی مقاله ایشان در حد یک توصیه اخلاقی و شخصی و در قامت یک کشیش قرار می گیرد که با مبارزات طبقاتی بی رابطه است و در مجموع اینطور استنباط می شود که ایشان در مقاله خود قصد تسویه حساب با برخی دیگر را دارد در حالی که مسئله اصلی ضرورت کسب آگاهی طبقاتی و پیشبرد رسالت تاریخی طبقه کارگر توسط تشکل های کارگری و نقش آنها در موفقیت در گام های اصولی پیشبرد آنست و حل بسیاری از معضلات و کاستی ها در جریان پیشبرد خط اصلی مبارزه می بایست حل و فصل گردد. و گام صحیح تلاش در این راستا و همکاری با تشکل ها در جهت تدوین و استقرار نظام های تأمین منابع و مصارف می باشد. ایشان در انتها قول نگارش مقالاتی دیگر در باب مسائل کارگری را داده است که بنظر می رسد که اگر تلاش شود مقاله حاصل نظر جمعی بوده و بصورت شخصی؛ سلیقه ای و توصیه های اخلاقی نباشد مفید واقع خواهد شد.